

نظریه توافقی شدن کیفر حدی مبانی فقهی و چالش‌های اجرایی^۱

محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی *

عباسعلی نیک‌نسب **

چکیده

در فقه اسلامی «حدود» گروه مهمی از مجازات‌های غالباً بدنی هستند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد استقبال قانونگذار کیفری ایران نیز قرار گرفته و بیش از سه دهه اجرا گردیده‌اند. در طول این سال‌ها اجرای برخی از کیفرهای حدی به‌خصوص قتل و سنگسار مشکلاتی را برای کشور فراهم نموده است. یک تدبیر مفید جهت کاستن از بار منفی اجرای کیفرهای بدنی، استفاده از واکنش‌های توافقی است. چرا که در این راهبرد، مجازات بدنی همچنان در متن قوانین باقی مانده و در همین اندازه هم می‌تواند هدف ارباب‌انگیزی مجازات‌ها را تأمین نماید؛ از طرفی در موارد استثنایی با صرف‌نظر کردن از اجرای کیفر بدنی و استفاده از مجازات توافقی می‌توان بزه‌کار را به انجام رفتارهای مثبت و سازنده، ترمیم خسارت و ادای دین خود به بزه‌دیده و جامعه درک بدی رفتار خود و در نهایت اصلاح و بازسازی جسمی و روحی و روانی سوق داد و تشویق نمود. با توجه به ظهور نظریه توافقی شدن عدالت کیفری، این پرسش مطرح می‌شود که آیا امکان استفاده از مجازات توافقی در جرائم مستوجب حد وجود دارد؟ در مقاله حاضر ضمن تأکید بر وجود مبانی فقهی و عدم غفلت از چالش‌های اجرایی، امکان‌پذیری اجرای موردی نظریه در جرایم حدی - با این قید که وجود و اعمال کیفرهای حدی یک اصل است و مجازات توافقی استثنایی بر اصل و تنها شامل موارد خاصی می‌شود که وجود مصلحت مهمتر، ترک مفسده، مقتضیات زمان و مکان و اموری از این دست اجرای آن را توجیه نماید - نتیجه گرفته شده و پیشنهادهایی در این زمینه ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: کیفر حدی، کیفر توافقی، مقتضیات زمانی، مصلحت، حکم حکومتی.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۵

* دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

** دانشجوی دکتری حقوق جزا، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) abbasaliniknasab@yahoo.com

۱- مقدمه

یکی از مباحث واجد اهمیت در حوزه سیاست جنایی و کیفرشناسی که غالباً از منظر حقوق و آزادی-های فردی مورد بحث، نقد و چالش قرار می‌گیرد، بحث کیفرگذاری و کیفردهی و نحوه اجرای مجازات-هاست. امروزه بر خلاف دوران ابتدایی زندگی بشر، نحوه پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه ضابطه‌مند شده و فرآیندی که منتهی به کشف جرم، تحقیق، تعقیب، کیفردهی و اجرای مجازات بر بزهکاران می‌گردد، در ایران به آئین دادرسی کیفری^۱ و در غرب به عدالت کیفری^۲ مشهور شده است. عدالت کیفری سالیان سال است که در حیطه اقتدار حکومت‌هاست و غالباً به شکل رسمی، اقتدارگرایانه، یکسویه، عمودی، تحمیلی و بدون اعتنای خاصی به نظر و خواست طرفین اصلی دعوی کیفری (یعنی بزهکار و بزه‌دیده) به اعمال فرآیند رسیدگی به بزه ارتكابی و تعیین و اجرای مجازات پرداخته است. اما واقعیت این است که این نوع سیاست جنایی توفیق‌چندانی در مهار پدیده شوم بزهکاری کسب ننموده و برخورد سرکوبگرایانه با فردی که خود قربانی وجود عوامل درونی و بیرونی جرم‌زا محسوب می‌گردد، نه‌تنها باعث اصلاح و بازسازی او نشده، بلکه پی‌آمدهای نامطلوبی از قبیل تورم جزایی و افزایش جمعیت کیفری و هزینه‌های اقتصادی سنگین جرم را به ارمغان آورده است.

این واقعیت تلخ سیاست‌گذاران جنایی را علیرغم استفاده بالغ بر چهار هزار ساله از سلاح کیفر، متقاعد نمود که در شیوه‌های پاسخ‌دهی به این پدیده نامیمون، ابتکار به خرج داده و تغییراتی را به عمل آورند. استفاده از ضمانت اجراهای اداری و انضباطی و مدنی در پاره‌ای موارد، به جای استفاده از کیفرها، از راهبردهای اولیه این نگرش محسوب می‌گردد. در مراحل بعدی کوچک‌تر کردن قلمرو عدالت کیفری سنتی از رهگذر تدابیری چون قضازدایی و عدالت ترمیمی مطرح شد که مقبول بسیاری از سیاست‌گذاران جزایی دنیا قرار گرفت و در سال‌های اخیر گامهای مثبتی در تمام دنیا و از جمله ایران در راستای ترمیمی کردن عدالت کیفری و احترام به حقوق و خواسته‌های بزه‌دیده در فرآیند کیفری برداشته شده است.

اما علیرغم پیشرفت‌های حاصل در این زمینه‌ها، یک مشکل اساسی همچنان در دستگاه عدالت کیفری وجود دارد و آن عدم توجه به نظر و خواست کنشگر اصلی پدیده مجرمانه، یعنی بزهکار است که در سال‌های اخیر طرح ایده توافقی‌شدن آئین دادرسی کیفری را در پی داشته است؛ بدین مضمون که در

1 - Criminal Procedure

2 - Criminal Justice

مراحل مختلف فرآیند رسیدگی به بزه ارتكابی، به نظر و خواست بزهكار بها داده شده و پاره‌ای از امور با توافق بزهكار و مقامات قضایی به سرانجام برسد.

یکی از شاخه‌های عدالت توافقی، به مرحله کیفردهی و اجرای مجازات که آخرین مرحله از فرآیند آئین دادرسی کیفری را شکل می‌دهد مربوط می‌گردد؛ این که در موارد خاصی در اعمال و اجرای کیفر، نظر و خواست بزه کار هم مورد عنایت قرار گرفته و کیفری اعمال گردد و یا همان مجازات مقرر به شکلی اجرا شود که فی‌الجمله مورد موافقت بزه‌کار نیز باشد. بدیهی است این موضوع با توجه به وضعیت فردی و محیطی بزهکار، شدت و وخامت رفتار مجرمانه، فرآیند کیفری و به طور کلی مصلحت سنجی مقام قضایی جنبه‌های گوناگونی به خود خواهد گرفت (حاجی‌ده آبادی و قادری‌نیا، ۱۳۹۵، ۷۳).

با توجه به آنکه قانونگذار جزایی ایران بعد از انقلاب و بخصوص در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به تبعیت از فقه کیفری اسلام، چهار نوع مجازات از گونه حد، قصاص، دیه و تعزیر را به رسمیت شناخته و حد را کیفری دانسته که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است؛ این پرسش مطرح می‌گردد که آیا در جرایم مستوجب حد هم امکان استفاده از مجازات‌های توافقی وجود دارد؟ نظر به آنکه در هیچ متن مستقلی به این موضوع پرداخته نشده، در مقاله حاضر با بررسی کتب، روایات، مقالات و سایر منابع مرتبط به روش توصیفی - تحلیلی سعی شده در راستای کاهش پیامدهای منفی اجرای کیفرهای حدی پاسخ قابل قبولی برای پرسش مورد اشاره ارائه گردد.

۲- گونه‌شناسی کیفر حدی

در شرع مقدس اسلام مجازات‌ها به چهار گروه بزرگ حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم شده و قانونگذار جزایی ایران نیز در آخرین اعلام نظر خود در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از این تقسیم بندی الهام گرفته است.

حدود جمع حد است و حد در لغت به معانی متعددی از جمله دفع، منع و بازداشتن از کاری، حائل میان دو چیز، منتهای هر چیز، حکم شرعی، اندازه و مقدار به کار رفته است (دهخدا، بی‌تا، ۱۳۶۱، ۹). به آهن « حدید » می‌گویند به این دلیل که بسیار سخت و باصلابت است و به نگهبان « حداد » گفته می‌شود چرا که مانع ورود مردم به محل می‌گردد (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۴۰۷). از این رو به مجازات خاص شرعی حد گفته می‌شود که مانع مردم از ارتكاب چنین رفتارهایی می‌گردد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۳۲۵).

در قرآن کریم این لفظ به صورت مفرد ذکر نشده بلکه در چهارده مورد به صورت جمع آمده اما در هیچ یک به معنای مجازات به کار نرفته و کاربردهای متعدد آن نشان می‌دهد که در فرهنگ قرآن حدود به معنای مجموعه احکام الهی است (مرادزاده، ۱۳۹۴، ۱۷)؛ آنچه را که خداوند متعال در ابواب روزه، طلاق، معاشرت با زنان، ارث و امثال آن تحدید نموده و احکام آن را مقدر نموده است (گلپایگانی، ۱۴۱۲، ۱، ۱۸). از نظر اصطلاحی، تعاریف متعددی از حد بیان شده است به عنوان مثال گفته شده حد شرعاً عبارت است از عقوبت و مجازات خاصی که متعلق به درد و آزار بدن است؛ به واسطه اینکه مکلف معصیت خاصی مرتکب شده است و شارع کمیت و مقدار آن عقوبت را در همه افراد و مواردش معین کرده است (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۵۴؛ منتظری، بی‌تا، ۳).

کیفر حدی احکام شرعی خاص خود را دارد که ممکن است در سایر مجازات‌ها جریان نداشته باشند. به عنوان مثال حد با شبهه دفع می‌شود (شیخ صدوق، ۱۴۱۵، ۴۳۶)؛ با سوگند اثبات یا رد نمی‌گردد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۹، ۲۱)؛ کفالت و شفاعت در آن پذیرفته نشده (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۵۳۶)؛ با توبه پس از شهادت شهود مورد عفو قرار نمی‌گیرد (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۶۹۶)؛ امکان یا عدم امکان اجرای آن در زمان غیبت محل مناقشه است (محقق داماد، ۱۳۸۱، ۲۸۳)؛ تعدد و تکرار جرم آثار مختص به خود را دارد (عمید زنجانی، ۱۳۹۱، ۱۹)؛ با عارض شدن جنون اجرایش ساقط نمی‌گردد؛ تأخیر در اجرای آن به جز در موارد استثنایی جایز نیست (خمینی، بی‌تا، ۴، ۱۹۱)؛ در سرزمین دشمن اجرا نمی‌گردد (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۷۸۲)؛ در مواردی انکار پس از اقرار پذیرفته می‌شود (حائری، ۱۴۱۸، ۱۵، ۴۵۷) و بالأخره کسی که حدی بر عهده اوست، حق اجرای حد بر دیگری را ندارد (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۴، ۳۲).

در اینکه ارتکاب کدام یک از معاصی مستوجب مجازات حدی است بین شیعه و سنی و در خود این دو گروه نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد به گونه‌ای که جمهور فقهای اهل سنت کیفر حدی را مشتمل بر هفت عنوان (زنا، قذف، شرب، سرقت، محاربه، ارتداد و بغی) دانسته (عوده، بی‌تا، ۲، ۳۴۵) و در امامیه از فقهای چون محقق حلی و شهید ثانی که آن را مشتمل بر شش عنوان (زنا و لواحقش، قذف، نوشیدن شراب، سرقت و قطع طریق) دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۳۲۶)، تا افرادی که جرایم مستوجب حد را بیست مورد ذکر کرده‌اند (محسنی، ۱۳۸۷، ۳۸۰) به چشم می‌خورند.

در حوزه جرایم حدی در ابتدا به نظر می‌رسد شارع بسیار سخت‌گیرانه برخورد نموده است و کیفرها سنگین و خشن می‌نمایند. اما به طور کلی در بخش حدود در اصل جرم‌انگاری به شکل سخت‌گیرانه است

که به نظر می‌رسد غرض شارع الغاء این پیام مهم به جامعه اسلامی باشد که حفظ دین، نسل، امنیت جامعه و اموال و دارایی مردم در سایه رعایت برخی از احکام و مقررات شرعی امکان‌پذیر می‌باشد. اما از طرف دیگر در مرحله مراجعه و پیگیری در خصوص این جرایم به جز در حقوق الناس، اصل بر پوشیده نگه داشتن عمل توسط مرتکب و تلاش برای اصلاح و درمان درونی و عدم تفحص مردم و حتی حاکم جامعه در اینگونه امور است (پیوندی، ۱۳۹۲، ۱۰۶). صاحب جواهر در این خصوص فرموده: «و لذا برای شهود مستحب است که اقامه شهادت نکنند تا بر مؤمن (گناهش) مستور ماند، مگر زمانی که پوشاندن گناه مقتضی فساد باشد؛ به همان ترتیب که مستحب است مؤمن (گناه) خود را مستور نموده و توبه نماید؛ بلکه امام حق دارد تشویق به عدم اقامه شهادت نماید، چنان که این فرمایش پیامبر اکرم (ص) (خطاب به شاهد): «اگر گناه او را با لباس می‌پوشاندی برایت بهتر بود»؛ به این مطلب اشاره دارد» (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ۳۰۷).

بنابراین می‌توان گفت کیفرهای حدی گونه‌ای از مجازات‌ها هستند که در آنها اولاً در مقام تشریح اصل بر سخت‌گیری و در مقام اجرا اصل بر سهل‌گیری و ثانیاً اصل بر تعیین نوع و میزان مجازات از سوی شارع و عدم اختیار قاضی در تخفیف یا تبدیل و حتی تعیین مصداقی از چند مجازات معین (به جز در باب محاربه) و نحوه اجرای مجازات مقرر (به جز در باب لواط) می‌باشد. به همین روال قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرایم مستوجب حد را ۱۲ مورد (زنا، لواط، تفریض، مساحقه، قوادی، قذف، سب نبی (ص)، شرب مسکر، سرقت، محاربه، بغی و افساد فی الارض) بر شمرده و کیفرهای حدی را از بسیاری از تدابیر عمومی مجری در سیستم عدالت کیفری (مانند تخفیف و تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط و امثال آن) مستثنی نموده است.

۳- چیستی توافقی شدن کیفر حدی

توافقی شدن کیفر حدی شاخه‌ای از توافق شدن مجازات‌ها و خود توافقی شدن مجازات‌ها آخرین مرحله از مراحل راهبرد نوین توافقی شدن آئین دادرسی کیفری محسوب می‌شود. امروزه با اعطای نقش مهمی به بزه‌دیده و بزه‌کار در فرآیند دادرسی کیفری سعی می‌شود از اقتدارگرایی، یک سو، جبری، دولتی و قهرآمیز بودن روند عدالت کیفری کاسته شده و با اعتنا به نظر بزه‌کار در طول فرآیند کیفری و تعیین و اجرای مجازات، امتیازهای بیشتری در راستای اصلاح و بازسازی بزه‌کار و جبران خسارت بزه‌دیده و

کاهش هزینه‌های زرادخانه کیفری تحصیل گردد. به عنوان مثال پزشک متبحری برای اولین بار مرتکب شرب‌خمر گردیده و پیشنهاد می‌نماید به جای تحمل هشتاد ضربه تازیانه حاضر است یک سال در مناطق محروم خدمت نماید. حال چنانچه قاضی بتواند به جای صدور حکم به تازیانه که به عنوان کیفری بدنی و توهین آمیز و تحقیرکننده و مغایر با حقوق بشر امروز مدتهاست از نظام کیفری اکثر کشورها ملغی گردیده، مجرم را به یک سال خدمت عام المنفعه در مناطق محروم بنا به توافق خودش محکوم نماید، هم بزه بی-پاسخ نمانده و هم از خدمات مثبت و ارزشمند بزه‌کار در راستای نفع و مصلحت جامعه استفاده بهینه شده و هم بزه‌کار به دلیل تحمل مجازاتی که خود پیشنهاد نموده، خصومت کمتری با جامعه پیدا می‌نماید.

بنابراین می‌توان گفت منظور از راهبرد توافقی شدن کیفر حدی این است که در برخی موارد در هنگام کیفردهی یا پس از صدور حکم و قبل یا در حین اجرای کیفر، بنا به پیشنهاد بزه‌کار به دستگاه عدالت کیفری و یا بلعکس، نوع دیگری از واکنش و مجازات و یا شیوه دیگری از اجرای مجازات مقرر قانونی که فی‌الجمله مورد قبول بزه‌کار باشد، در راستای نیل به اهداف مهمتری چون مصلحت فرد و جامعه، ممانعت از تنفیذ از دین مبین اسلام، کاهش هزینه‌های زرادخانه کیفری و اصلاح و بازسازی بهتری بزه‌کار، تعیین یا اجرا گردد.

۴- مبانی فقهی توافقی شدن حدود

مبانی زیرساخت‌ها و پایه‌های بنیادین یک امر است که حکایت‌گر واقعیت‌هایی است که وجود یک پدیده را ضروری و منطقی می‌سازد (حاجی‌ده آبادی، ۱۳۸۳، ۸۱). بر این اساس توافقی شدن کیفر حدی به عنوان یک تدبیر سیاست جنایی، واجد مبانی علمی و مقبول متعددی است که در ادامه بحث به مهم‌ترین مبانی فقهی آن اشاره می‌شود:

۴-۱- وجود مصلحت مهمتر در مجازات توافقی

این سخن درست است که اجرای مجازات تبهکاران، به مصلحت جامعه است و چنانچه مجرم‌ان به مجازات نرسند، هرج و مرج سرتاسر جامعه را فرا خواهد گرفت؛ اما گاهی در عدم اجرای مجازات مقرر و تبدیل آن به واکنشی از نوع دیگر، مصلحت مهمتری نهفته است که مصلحت اجرای مجازات مقرر را کاملاً تحت شعاع خود قرار می‌دهد. به عنوان مثال دانشمندی مرتکب زنا می‌شود و مجازات مقرر قانونی

و شرعی برای چنین جرمی سنگسار است. اما از طرف دیگر حکومت اسلامی شدیداً به وجود چنین نیروی متخصصی نیازمند است و یا به هر دلیل دیگر، مصلحت در نگاه‌داشتن بزهدار در درون جامعه با یک مجازات خفیف‌تر باشد و در اینجا مقام قضایی مصلحت را در این ببیند که در این حالت خاص، در قبال چشم‌پوشی مصلحت‌گرایانه از اعمال مجازات رجم و تبدیل آن به کیفر خفیف‌تری چون تازیانه (آنگونه که قانونگذار هم در قانون جدید مجازات اسلامی بدان اشاره نموده)، مدت ده سال از تخصص آن فرد به صورت رایگان به نفع جامعه و حکومت اسلامی بهره‌برداری گردد و بزهدار نیز این پیشنهاد را قبول نماید. در چنین حالتی هر چند اجرای سنگسار واجد مصلحت است، اما تبدیل آن به مجازات تازیانه و در کنار آن استفاده بهینه از زمینه‌های تخصصی موجود در چنین فردی، مصلحت بزرگتری برای جامعه اسلامی به ارمغان خواهد آورد.

در این راستا به طور کلی در مواردی چون توبه پس از اقرار که حق عفو مجرم برای حاکم وجود دارد و یا در جرائمی چون محاربه که وفق آیه ۳۳ سوره مائده و نظر منتخب فقهی (شهید ثانی، ۱۳۹۰، ۱۳، ۲۳۷) و ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی حاکم در اعمال یکی از چهار مجازات کشتن، آویختن به دار، بریدن دست و پا و نفی بلد مخیر می‌باشد و نیز در موارد دیگری چون لواط که بنا به نظر مشهور، حاکم در شیوه کشتن مجرم بین گردن زدن با شمشیر، سوزاندن، سنگسار کردن، پرتاب از دیوار بلند یا خراب کردن دیوار بر بزهدار مخیر می‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۸۰). می‌تواند اعمال حق عفو خود (در فرض اول) و یا انتخاب گونه‌ای ملایم‌تر از مجازات‌های مقرر (در فرض دوم) و یا انتخاب شیوه مناسب به حال بزهدار (در فرض سوم) را به انجام امور عام‌المنفعه، حفظ و تعلّم جزئی از قرآن کریم و نهج‌البلاغه، فراگیری احکام و اعتقادات دینی، ترمیم خسارت بزهدیده، اظهار ندامت، همکاری با مأموران در شناسایی سایر بزهداران و امثال آن موکول نموده و بدین طریق در صورت پذیرش بزهدار و انجام امور مورد اشاره، به مصلحت بالاتری در مقایسه با اجرای کیفر مقرر نائل گردد. در این خصوص به استفتائی که از یکی از مراجع تقلید معاصر انجام شده اشاره می‌نماییم:

س- فردی محکوم به اعدام شده و می‌خواهد عضوی یا اعضای بدنش را به اشخاص مضطر هدیه کند و در قبال آن از حاکم شرع تخفیفی بخواهد. آیا می‌تواند حکم اعدامش را تخفیف دهد؟

ج- در مواردی حاکم شرع می‌تواند طبق موازین شرع تخفیف بدهد. ولی ظاهراً مورد سؤال از آن موارد نباشد. در عین حال اگر حاکم شرع صلاح دانست بعید نیست که طبق ولایت عامه‌ای که دارد بتواند

چنین تخفیفی را بدهد ولی محکوم را در اهدای اعضا مخیر کند، نه به صورت شرط، آن هم نسبت به اعضای که مجاز به اهدا است نه مطلقاً، بلی اگر اعدام مربوط به حق الناس باشد، حاکم چنین حقی ندارد» (لنکرانی، ۱۳۷۵، ۶۰۷).

۴-۲- وجود مفسده در اجرای مجازات مقرر

گاهی بحث در اجرای قاعده اهم و مهم و اجرای حکمی که مصلحت بیشتری در بر داشته باشد نیست؛ بلکه مشکل در این است که بنا به دلایلی اجرای گونه‌ای خاص از کیفر حدی در موردی خاص، مفسده بزرگی به بار می‌آورد که مصلحت اجرای آن را تحت شعاع خود قرار خواهد داد. به عنوان مثال امروزه که اکثر کشورهای دنیا مجازات‌های بدنی و حتی اعدام را مخالف با کرامت انسانی و حدود اسلامی را شکنجه (عمید زنجانی، ۱۳۹۱، ۲، ۱۰۰) دانسته و از قوانین کیفری خود حذف نموده و حتی در این خصوص با تصویب و الحاق به اسناد بین‌المللی چون کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده هر گونه عملی را که بوسیله آن درد یا رنج شدید جسمانی یا روانی عمداً و برای رسیدن به اهدافی چون تنبیه و نظایر آن بر کسی وارد شود را نیز شکنجه قلمداد کرده‌اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳، ۴۴۹) و در ماده‌ی ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر گونه کیفر تحقیرآمیز، موهن یا خلاف انسانیت و شان بشر را نفی نموده‌اند (جاویدان، ۱۳۹۶، ۴۸۴)؛ اجرای کیفرهایی چون سنگسار، تصلیب و گردن‌زدن با شمشیر و امثال آن در کشوری که حکومت آن از نوع اسلامی است، ممکن است موجبات وهن دین مبین اسلام و تنفیر از دین را فراهم نماید. به موجب قاعده فقهی «حرمت تنفیر از دین» اجرای احکام شریعت باید در بستر مقبولیت عمومی و در یک تعامل منطقی و معقول با جامعه و به‌ویژه لحاظ زمینه‌های فکری و فرهنگی آن اجرا شود تا مورد پذیرش قرار گیرد و هدف نهایی دین که گشودن قلب‌هاست، حاصل شود. لذا ارتکاب هر عملی که مایه دین‌گریزی مردم شود حرام است (نوبهار، ۱۳۸۴، ۱۳۳). یکی از فقهای معاصر در پاسخ به این پرسش که اگر حاکم اسلامی تشخیص دهد که تعطیلی حدی از حدود الله به مصلحت اسلام و مسلمین است و اجرای آن موجب ضرر به اصل اسلام می‌شود، آیا در چنین شرایطی تعطیل نمودن حدود الهی جایز است؟ فرموده: «اگر اندیشمندان و آگاهان به مسائل و نمایندگان مردم تشخیص دادند که اجرای حد در فلان مقطع از زمان یا مکان در کمال محدودیت برای کیان اسلام ضرر دارد، می‌توان اجرای آن را حسب قاعده تزاحم و روایت غیاث بن ابراهیم و قاعده

لاضرر به تأخیر انداخت، نه آنکه حد را تعطیل کرد و از قانون برداشت و قانونی‌بودنش را تعطیل کرد که آن خلاف ما انزل الله است و هیچ گاه بشر مصلحت را بیش از ذات باری تعالی نمی‌فهمد؛ بلکه علم بشر با او قابل مقایسه نیست» (صانعی، ۱۳۸۴، ۸۱).

در چنین شرایطی هر چند اجرای مجازات‌های مقرر حدی مصالحی را در بر خواهد داشت، اما مفسده عظیمی که از آن ناشی می‌گردد، ارزش مصلحت اجرایی را از بین خواهد برد و در چنین فرضی به جای اجرای کیفر مقرر و یا کلاً تعطیلی و سقوط هر نوع مجازاتی، می‌توان از واکنش توافقی استفاده نمود و به عنوان مثال چنانچه بزهکار جزئی از سی جزء قرآن مجید را حفظ نماید یا در زنا یا به عنف با توافق و رضایت مزنی بها با او ازدواج نماید، در افزایش کیفر مقرر را به مجازات ملایم‌تری چون جزای نقدی تبدیل نمود.

۴-۳- حکم حکومتی

در این که منظور از احکام حکومتی چیست و جزء احکام اولیه محسوب می‌شوند یا ثانویه و یا قسیم آن دو و نیز اینکه دامنه کاربردی آنها به چه میزان است اختلاف نظر وجود دارد؛^۱ اما در مجموع می‌توان گفت احکام حکومتی مجموعه دستورات، احکام، ضوابط و مقرراتی هستند که بر اساس ضوابط شرعی و عقلایی، به طور مستقیم (توسط شخص حاکم اسلامی) یا غیر مستقیم (توسط ابزار ولایتی حاکم مانند قوای سه گانه)، با توجه به مصلحت جامعه و برای حفظ نظام حکومتی و اداره جامعه و اجرای احکام و حدود الهی و تنظیم روابط داخلی و خارجی جامعه اسلامی صادر می‌گردد. از این دسته است حکم تحریم استعمال توتون و تنباکو توسط آیت‌الله میرزای شیرازی (نجفی و محسنی، ۱۳۸۸، ۲۵۶) و برابری دیه اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی با مسلمانان در ماده‌ی ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی.

بنابراین حکم حکومتی ابزار و تدبیری شرعی در ید مقام رهبری است که می‌تواند با استفاده مدبرانه از آن بسیاری از معضلات پیش روی جامعه اسلامی را حل نماید. یکی از این معضلات مسأله اجرای کیفرهای بدنی سنگین حدی است که امروزه اکثر قانونگذاران عرفی چنین کیفرهایی را بر خلاف کرامت انسانی و حقوق بشر دانسته و از قوانین کیفری خود حذف نموده‌اند و غربی‌ها دائماً کشور ما را به دلیل

۱ - برای مطالعه بیشتر در این خصوص مراجعه کنید به: علی دوست، (۱۳۹۴)، فقه و مصلحت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۶۶۱ به بعد

اجرای چنین کیفرهایی مورد انتقاد شدید و اخیراً تحریم‌های اقتصادی قرار می‌دهند و بدین وسیله سعی در ایجاد تنفر در ذهن مردم نسبت به دین مبین اسلام و خشن جلوه دادن آن دارند. لذا در موارد استثنایی مثل حالتی که یک فرد بیگانه فاقد مصونیت در کشور ایران مرتکب جرمی حدی گردد و کشور متبوع مجرم پیشنهاد نماید در قبال عدم اجرای کیفر حدی، متقابلاً یکی از شخصیت‌های مهم ایرانی را که در زندان آن کشور به سر می‌برد، آزاد خواهد نمود؛ لازم است راهکار قانونی برای اعمال حکم حکومتی موردی و اجرای مجازات توافقی وجود داشته باشد تا از این طریق معضل پیش آمده خاتمه داده شود.

۴-۴- تغییر مقتضیات زمانی و مکانی

با بررسی برخی از آیات قرآن و نیز مطالعه تورات، اوستا و متون تاریخی مربوط به اسلام و عرب جاهلی می‌توان به این نتیجه رسید که تمامی گونه‌های مجازات حدی قبلاً در عرف جوامع و قبایل وجود داشته و اسلام نیز بنا به دلایلی ضمن تعدیل و ضابطه‌مندی و تأکید بر رعایت اصول انسانی، آنها را امضا نموده است. به عنوان مثال در کتاب تورات چندین بار^۱ به سنگسار اشاره شده و در آیات ۴۶ سوره مریم و ۱۱۶ سوره شعراء به این مطلب اشاره شده که پدرخوانده حضرت ابراهیم و قوم نوح، آنان را تهدید به سنگسار می‌نمودند. تازیانه نیز حسب ظاهر به عنوان یک تنبیه رایج در خصوص همه افراد و حتی بردگان و صغار شیوع داشته و قدمت آن به اندازه‌ای است که در قانون‌نامه حمورابی و حتی در اوستا (دوستخواه، ۱۳۸۸، ۶۸۸) و تورات^۲ نیز به عنوان یک کیفر و ضمانت اجرا از آن نام برده شده و گفته شده رؤسای قبایل عرب جاهلی زیردستان خود را تازیانه می‌زدند (جوادی علی، ۱۹۷۸، ۵۹۰). حضرت عیسی (ع) به صلیب کشیده شد و حضرت ابراهیم (ع) برای سوزاندن به آتش انداخته شد. قتل و به دار آویختن برخی مجرمان نیز کیفری رایج بود و عرب‌ها پیش از اسلام هم راهزنان را به دار می‌آویختند. گفته شده در قانون آور - نمو برای سرقت مقرون به آزار، تجاوز به عنف و زنا محصنه و در قانون اشوننا نیز برای دو مورد اخیر کیفر مرگ در نظر گرفته شده است (نجفی ابرند آبادی، بادامچی، ۱۳۸۳، ۱۱۸). بنا بر برخی نقل قول‌ها حتی کیفر نفی و تبعید هم در دوران جاهلیت رایج بوده است (نوبهار، ۱۳۸۹، ۷۳). در خصوص قطع دست و

۱ - به عنوان مثال سفر خروج، آیه ۲۱ و سفر لاویان، آیه ۲۴ و سفر تثنیه، آیه ۲۲

۲ - به عنوان نمونه در سفر تثنیه، آیه ۲۲

پا نیز در آیه ۷۱ سوره طه آمده که فرعون خطاب به ساحران تهدید نمود در صورت ادامه سرپیچی دست و پاهایشان را یکی از راست و دیگری از چپ قطع خواهد کرد.

بنابراین کیفرهای حدی امضایی است؛ نه تاسیسی و به همین دلیل امروزه که عرف و عادات نوع بشر تغییر کرده و کیفرها نسبت به گذشته تعدیل شده و کیفرهای متنوع و جدیدی (چون حبس در منزل، جزای نقدی و خدمات عام‌المنفعه) بوجود آمده و از طرف دیگر کیفرهای بدنی بر خلاف کرامت انسانی و حقوق بشر دانسته شده و از غالب قوانین جزایی حذف شده است؛ امکان تغییر کیفرهای حدی هم وجود دارد و یکی از راهکارهای برتر، بقای مجازات‌های حدی در قانون به عنوان اصل و امکان استفاده استثنایی از مجازات‌های توافقی در مرحله اجرایی در برخی موارد خاص است که ضمن تامین اهداف مجازات، فایده و مصلحت مهمتری را برای فرد و جامعه در پی داشته باشد.

۵- چالش‌های اجرایی

توافقی‌شدن مجازات ایده‌ای نوپیداست و بی‌گمان مانند هر ایده جدید دیگری در مراحل اجرایی خود با مشکلات و چالش‌های متعددی مواجه خواهد شد. برخی از چالش‌های قابل تصور عبارتند از:

۵-۱ - مخالفت با حدود الهی و اوامر و نواهی شارع مقدس

عقیده غالب بر این است که حدود مجازات‌هایی غیرقابل تغییر و تبدیل هستند و حتی نحوه اجرای آنها باید به شکلی باشد که در شرع، مقرر گردیده است. آیاتی از قرآن هم با مضمون «تلك حدود الله فلا تقربوها»^۱ یا «تلك حدود الله و من يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه»^۲ وجود دارد که تجاوز از حدود الهی را مورد نهی قرار داده است و روایات بسیاری هم در نکوهش تغییر یا تعطیلی حدود وارد شده است. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه^۳ فرموده: «همانا خدا واجباتی را بر شما لازم شمرده، آنها را تباه نکنید و حدودی برای شما معین فرموده، اما از آنان تجاوز نکنید و از چیزهایی نهی فرموده، حرمت آنها را نگه دارید و نسبت

۱ - آیه ۱۸۷ سوره مبارکه بقره: این احکام حدود دین خداست. در آن مخالفت می‌واید.

۲ - آیه ۱ سوره مبارکه طلاق: این (احکام) حدود (شرع) خداست و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده است.

۳ - حکمت ۱۰۵ از بخش حکمت‌های نهج‌البلاغه.

به چیزهایی سکوت فرموده - نه از روی فراموشی - پس خود را درباره آنها به رنج و زحمت دچار نسازید». بنابراین کیفر توافقی نمی‌تواند مورد تأیید شرع باشد.

در پاسخ می‌توان گفت اولاً، آیاتی از قرآن مجید که به حدود الله اشاره نموده هیچ کدام مستقیماً ارتباطی با امور کیفری ندارد و به عنوان مثال در آیه یک سوره طلاق پس از اشاره به لزوم نگهداری عده طلاق و نگهداری زنان مطلقه در زمان عده، این احکام را به «حدود الله» تعبیر نموده و تعدی به آن را ظلم به خود دانسته است. ثانیاً، اخباری که تعطیل حدود یا تغییر در آنها را نکوهش می‌کند، ناظر به تغییراتی است که ناشی از هوی و هوس یا تبعیض‌های نا به جا باشد؛ نه تغییرات عقلایی که با لحاظ مصلحت جامعه و برای کارآمدی مجازات‌ها به دست فقیه جامع‌الشرایط مآذون صورت گیرد (نوبهار، ۱۳۸۹، ۲۹۵) و به نظر نمی‌رسد به کار بستن مصلحت‌سنجی‌های حکیمانه و خیرخواهانه برای کارآمد ساختن مجازات‌ها و جلوگیری از تنفیر نسبت به دین مبین اسلام و در راستای اهداف مقرر، مصداق تعطیلی حدود محسوب گردد؛ علی‌الخصوص که اصل کیفر منصوص در قانون باقی مانده و تنها در شرایط استثنایی تبدیل به نوع دیگری از واکنش و مجازات می‌گردد.

امام علی (ع) در جایی دیگر^۱ فرموده‌اند: «ای مالک ... مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند. اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشی و بر آنان آسان گیر، آنگونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد». بنابراین سیاست جنایی اسلام در باب حدود هر چند در مرحله کیفرگذاری سختگیرانه به نظر می‌رسد، اما در مرحله رسیدگی و کیفردهی سهل‌گیر بوده و در قسمت اخیر زمینه‌های اعمال نظریه توافقی‌شدن حدود در شرایط خاص فراهم می‌باشد.

۵-۲ - نقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها

یکی از اصول مترقی در حقوق جزای امروز دنیا، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست؛ بدین مفهوم که هیچ رفتاری جرم محسوب نمی‌شود مگر قانون آن را جرم بشناسد و هیچ مجازاتی بر مجرم

۱ - نامه ۵۳ از بخشنامه‌های نهج البلاغه .

تحمیل نمی‌گردد مگر آنکه قانون آن را معین نموده باشد. این اصل در غرب از نوشته‌های سزار بکاریا در مکتب کلاسیک جان گرفت ولی مفهوم آن در ۱۴ قرن پیش در دین مبین اسلام^۱ وجود داشته است. اهمیت اصل مذکور در ایران به حدی است که چند اصل از اصول قانون اساسی را به خود اختصاص داده است؛ از جمله در اصل ۳۶ آمده: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. قانونگذار جزایی نیز در ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی اعلام نموده: حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد. لذا به نظر می‌رسد ایده توافقی شدن مجازات حدی، ناقض اصل قانونی بودن مجازات باشد.

در پاسخ باید گفت در این راهبرد، مجازات مقرر قانونی تغییری نمی‌کند و همان است که قبلاً وجود داشته، الهامیه قانونگذار در پاره‌ای موارد استثنایی اجازه تبدیل مجازات حدی را به مجازات دیگری که هم اهداف کیفر را تأمین نماید و هم نفع و مصلحت بیشتری از اجرای مجازات مقرر در آن وجود داشته باشد، به مقامات قضایی تفویض می‌نماید و چون نیاز به تجویز قانون دارد تعارضی با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها نخواهد داشت.

۵ - ۳ - تبعیض و بی عدالتی در مرحله کیفردهی

در نظر اول کاربست مجازات توافقی موجب بروز بی‌عدالتی و تبعیض در تعیین مجازات می‌گردد. چرا که ممکن است برای دو نفری که مرتکب جرم واحدی شده‌اند، دو مجازات کاملاً متفاوت تعیین گردد.

در پاسخ باید گفت اتفاقاً در صورت تعیین مجازات واحد برای همه افراد، دچار تبعیض و بی‌عدالتی شده‌ایم. چرا که هر فرد در شرایط خاص خود و متأثر از عامل یا عواملی جرم‌زا مرتکب جرم می‌شود و مقتضای عدالت و اصل فردی کردن مجازات‌ها این است که متناسب با شرایط خاص خود هم به کیفر برسد. به عنوان مثال؛ چنانچه یک فرد متمول طماع صرفاً برای کسب اموال بیشتر مرتکب سرقت گردد، شرایط این فرد با فرد دیگری که به دلیل بی‌کاری و نیاز مالی به این عمل روی آورده بسیار متفاوت بوده و چنانچه دست هر دو را قطع نماییم، در اینجا مرتکب نوعی تبعیض و بی‌عدالتی گردیده‌ایم و به نظر می‌رسد اگر با نفر دوم توافق نماییم که به جای مجازات قطع دست، با گذراندن یک دوره آموزش فنی و حرفه‌ای و ارائه گواهینامه مربوطه، زمینه اشتغال به شغلی را برای آینده خود فراهم نماید؛ گام بزرگتری در راستای

اجرای عدالت برداشته باشیم.

۵ - ۴ - تنافی با اهداف اربعی کیفرها

ممکن است این ایراد به نظریه توافقی وارد شود که اعمال آن با اهداف شارع و مقنن از جرم‌انگاری و کیفرگذاری حدود - ناظر بر اربع انگیزی مجازات - منافات خواهد داشت. در پاسخ باید گفت در راهبرد توافقی شدن مجازات، کیفر اولیه از متن قانون حذف نشده و در هر موردی امکان اعمال آن وجود خواهد داشت؛ منتها به موجب مقرر قانونی دیگری در برخی موارد خاص با توافق بزهکار و مقامات قضایی، کیفر منصوص تبدیل به نوع دیگری از واکنش می‌گردد که نفع بیشتری برای فرد و جامعه داشته باشد. لذا اولاً اصل وجود کیفر در قانون اثر بازدارندگی عام خود را خواهد داشت و ثانیاً خود بزهکار هم خواهد دانست که برای بار دوم از چنین مزیتی نمی‌تواند استفاده نماید.

۵ - ۵ - حق الناس بودن برخی حدود و تضييع حقوق بزه دیده

با توجه به آنکه توافق در مجازات توافقی، بین بزهکار و مقامات قضایی صورت می‌گیرد، این سائبه مطرح می‌شود که در حدودی که جنبه حق‌الناسی دارد (یعنی حد قذف و حد سرقت قبل از رفع الامر الی الحاکم)؛ حق و حقوق بزه‌دیده نادیده انگاشته شود. برای رفع این مشکل باید اذعان کرد در جرایمی که بزه‌دیده خاص داشته باشد، انجام توافق منوط به ترمیم خسارت بزه‌دیده بوده و در آنجا که جرم جنبه عمومی نداشته باشد، با جلب رضایت بزه‌دیده پرونده مختومه می‌گردد و در همین موارد هم ممکن است علیرغم تلاش بزه کار برای جلب رضایت و ترمیم خسارت بزه‌دیده، باز هم بزه دیده اعلام گذشت ننموده و بر اعمال مجازات اصرار داشته باشد.^۱ در چنین مواردی به نظر نمی‌رسد اعمال مجازات توافقی پس از کوشش قابل تقدیر بزه کار در ترمیم خسارت بزه‌دیده، خللی به حقوق او وارد نماید. در مواردی هم که جرم، علاوه بر حیثیت خصوصی، واجد جنبه عمومی است؛ امکان اعمال مجازات توافقی در جنبه عمومی پس از ترمیم خسارت بزه دیده قابل تصور می‌باشد. بنابراین اعمال مجازات توافقی نه تنها خللی به حقوق

۱ - در حقوق جزای ایران تنها در چک بلامحل و دیه است که با واریز وجه به حساب سپرده، بدون نیاز به اعلام گذشت بزه دیده امکان مختومه گردیدن پرونده وجود دارد در سایر موارد مانند سرقت و خیانت در امانت، ممکن است شاکی علیرغم جبران خسارت، اعلام گذشت نکند و در چنین مواردی امکان صدور قرار موقوفی تعقیب پیش بینی نشده است.

بزه‌دیده وارد نمی‌نماید؛ بلکه موجبات تشویق بزه‌کار به ترمیم خسارت بزه‌دیده را نیز فراهم می‌نماید.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

یک تدبیر مفید جهت کاستن از بار منفی اجرای کیفرهای حدی، استفاده از واکنش‌های توافقی است. چرا که در این راهبرد، مجازات حدی همچنان در متن قوانین باقی مانده و در همین اندازه هم می‌تواند هدف ارباب انگیزی مجازات‌ها را تامین نماید؛ از طرفی در موارد استثنایی با صرفنظر کردن از اجرای کیفر حدی و استفاده از مجازات توافقی می‌توان بزه‌کار را به انجام رفتارهای مثبت و سازنده و ترمیم خسارت بزه‌دیده و ادای دین خود به بزه‌دیده و جامعه و در نهایت درک بدی رفتار خود و اصلاح و بازسازی جسمی و روحی و روانی سوق داد و تشویق نمود.

توافقی شدن موردی کیفر حدی، واجد مبانی فقهی می‌باشد؛ هر چند پیاده‌سازی آن نیازمند اجتهاد پویای فقها و همفکری و همکاری حقوق‌دانان، جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و سیاست‌گذاران حوزه علوم اجتماعی در راستای تقویت مبانی و تعیین روش‌های اجرایی است و در نهایت با توجه به ضرورت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، لازم است قانونگذار اصل امکان اعمال مجازات‌های توافقی و روش اجرایی آن را به دقت ملبس به لباس قانون نماید تا موجبات اعمال سلايق شخصی افراد و تبعیض و هرج و مرج و تجری بزه‌کاران حرفه‌ای فراهم نگردد.

پیشنهاد می‌گردد مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار و مرتکبین جرایم خشونت‌آمیز و خطرناک از شمول این تدبیر خارج گردند؛ وجود و اعمال کیفرهای حدی یک اصل باشد و مجازات توافقی استثنایی بر اصل و شامل موارد خاص که واجد مصلحت مهمتر، ترک مفسده، مقتضای زمان و اموری از این دست باشد، گردیده و در مواردی که اختیار اجرای حد یا اعطای عفو و یا انتخاب یکی از چند مجازات مقرر با حاکم می‌باشد، اعطای عفو و یا انتخاب گونه ملایم‌تر مجازات، در صورت توافق بزه‌کار با مقامات قضایی مبنی بر انجام عملکرد مثبتی چون حفظ جزئی از قرآن کریم یا نهج‌البلاغه، فراگیری احکام و اعتقادات دینی، ترمیم خسارت بزه‌دیده و یا اعاده وضع به سابق و امثال آن صورت گیرد.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید

۲. نهج البلاغه امام علی (ع) .
۳. اصفهانی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، جلد ۱۰، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
۴. انجمن بین المللی کتاب مقدس، (۲۰۰۹)، کتاب مقدس - عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه تفسیری، بی‌نا، بی‌جا، چاپ چهارم.
۵. بخاری، محمد ابن اسماعیل، (بی‌تا)، صحیح بخاری، جلد ۴، دارالمعرفه، بیروت، بی‌چا.
۶. پیوندی، غلامرضا، (۱۳۹۲)، اصول و معیارهای کیفی‌گذاری از منظر مکاتب حقوقی در مقایسه با آموزه های اسلامی، رساله دکتری رشته فقه و حقوق جزا، دانشگاه شهید مطهری (ره)، تهران.
۷. توحیدی، محمد و عبده زاده، سیروان، (۱۳۹۳)، تأثیر مجازات حدود بر امنیت، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول.
۸. جاویدان، لاله، (۱۳۹۶)، تاریخ تحولات حقوق کیفری از پیدایش تا کنون، نشر آوا، تهران، چاپ اول.
۹. جواد علی، (۱۹۷۸)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، جلد ۵، مکتبه النهضه و دارالعلم للملایین، بغداد و بیروت، بی‌چا.
۱۰. حاجی ده آبادی، احمد، (۱۳۸۹)، قواعد فقه جزایی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ دوم.
۱۱. حاجی ده آبادی، محمد علی، (۱۳۸۷)، قاعده دفع افسد به فاسد و دلالت‌های حقوقی - جرم شناختی آن، نشریه فقه و حقوق، سال پنجم، شماره ۱۸.
۱۲. حاجی ده آبادی، محمد علی، (۱۳۸۳)، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی، مجله فقه و حقوق، شماره ۱.
۱۳. حاجی ده آبادی، محمدعلی و قادری‌نیا، محمد، (۱۳۹۵)، مبانی، آثار و چالش‌های حق مجرم در تعیین سرنوشت خویش در دعوی کیفری، مجله حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
۱۴. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، (۱۴۱۸)، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالذلالیل، جلد ۱۵ و ۱۶، مؤسسه آل‌البتیت (ع)، قم، چاپ اول.
۱۵. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، (۱۴۲۱)، ولایت فقیه در حکومت اسلامی، جلد ۱-۴، انتشارات علامه طباطبایی، مشهد، چاپ دوم.
۱۶. حسینی جورجانی، سید امیر ابوالفتح، (۱۴۰۴)، آیات الاحکام، انتشارات نوید، تهران، چاپ اول.
۱۷. خمینی، روح الله، (۱۳۸۸)، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، جلد ۴، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی‌چا.
۱۸. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰)، تکمله المنهاج، نشر مدینه العلم، قم، چاپ بیست و هشتم.

۱۹. دوستخواه، جلیل، (۱۳۸۸)، اوستا، جلد ۲، انتشارات مروارید، تهران، چاپ چهاردهم.
۲۰. دهخدا، علی اکبر، (بی تا)، لغت نامه، جلد ۹، نشر دیجیتالی مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، اصفهان، بی‌چا.
۲۱. رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۸۱)، تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۱.
۲۲. ساریخانی، عادل، (۱۳۹۶)، فلسفه احسان در جرائم جنسی مستوجب حد با محوریت قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۸.
۲۳. شانه‌چی، کاظم مدیر، (۱۳۸۰)، آیات الاحکام، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم.
۲۴. شریعتی، روح‌الله، (۱۳۸۷)، قواعد فقه سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، چاپ اول.
۲۵. شوشتری، سید محمد حسن مرعشی، (۱۴۲۷)، دیدگاه‌های نو در حقوق، جلد ۲ و ۱، نشر میزان، تهران، چاپ دوم.
۲۶. شهید اول، (۱۴۱۰)، لمعه دمشقیه فی فقه الامامیه، دارالتراث - الدار الاسلامیه، بیروت، چاپ اول.
۲۷. شهید ثانی، (۱۳۹۰)، شرح لمعه، جلد ۱۳، ترجمه علی شیروانی، مؤسسه انتشارات دارالعلم، قم، چاپ دهم.
۲۸. شهید ثانی، (۱۴۱۳)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، جلد ۱۴ و ۱۵، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول.
۲۹. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶)، وسائل الشیعه، جلد ۲۸، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، چاپ سوم.
۳۰. شیخ صدوق، (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، جلد ۴، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
۳۱. شیخ صدوق، (۱۴۱۵)، المقنح، مؤسسه امام هادی (ع)، قم، چاپ اول.
۳۲. شیخ طوسی، (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، جلد ۱۰، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
۳۳. شیخ طوسی، (۱۴۰۰)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، دارالکتب العربی، بیروت، چاپ دوم.
۳۴. شیخ طوسی، (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الامامیه، جلد ۸، مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، تهران، چاپ سوم.
۳۵. شیخ طوسی، (۱۴۰۷)، الخلاف، جلد ۵، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.
۳۶. شیخ طوسی، (۱۳۹۰)، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، جلد ۴، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول.
۳۷. شیخ مفید، (۱۴۱۳)، المقنعه، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمه الله علیه، قم، چاپ اول.

۳۸. صانعی، یوسف، (۱۳۸۴)، استفتائات قضایی، جلد ۱، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
۳۹. طبرسی، فضل بن الحسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۳، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم.
۴۰. طبرسی، فضل بن الحسن، (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، تهران، چاپ اول.
۴۱. طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۴، انتشارات اسلام، تهران، چاپ دوم.
۴۲. علامه حلی، (۱۴۱۳)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، جلد ۳، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.
۴۳. علی دوست، ابوالقاسم، (۱۳۹۴)، فقه و مصلحت، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ دوم.
۴۴. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۹۱)، قواعد فقه بخش حقوق جزا، انتشارات سمت، تهران، چاپ پنجم.
۴۵. عوده، عبدالقادر، (بی تا)، التشریح الجنائی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، جلد ۲، دارالکتب العربی، بیروت، بی جا.
۴۶. فرانسواز آلت مئس، (۱۳۸۵)، قراردادی کردن حقوق کیفری: افسانه یا واقعیت؟، ترجمه رضا فرج‌اللهی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۴.
۴۷. فیض، علیرضا، (۱۳۷۳)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ سوم.
۴۸. قیاسی، جلال‌الدین، (۱۳۸۵)، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، چاپ اول.
۴۹. کاظمی، جواد بن سعید، (۱۳۶۵)، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، جلد ۴، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ دوم.
۵۰. کلاتری، کیومرث، (۱۳۷۵)، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، انتشارات دانشگاه مازندران، بابل، چاپ اول.
۵۱. گلپایگانی، سید محمدرضا موسوی، (۱۴۱۲)، الدر المنضود فی احکام الحدود، جلد ۱ و ۲ و ۳، دارالقرآن الکریم، قم، چاپ اول.
۵۲. لنکرانی، محمد فاضل، (۱۳۷۵)، جامع المسائل، چاپ مهر، قم، چاپ اول.
۵۳. محسنی، محمد آصف، (۱۳۸۷)، حدود الشریعه، انتشارات بوستان کتاب، قم، چاپ اول.

۵۴. محقق حلی، (۱۳۷۴)، شرایع الاسلام، جلد ۴، ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ ششم.
۵۵. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۱)، قواعد فقه بخش جزایی، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ سوم.
۵۶. محمدی، ابوالحسن، (۱۳۷۴)، حقوق کیفری اسلام، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول.
۵۷. مرادزاده، احسان، (۱۳۹۴)، نظرات غیرمشهور در جرایم حدی و تطبیق آن با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول.
۵۸. مظفری زاده، سجاده، (۱۳۹۱)، ترمینولوژی جرم‌شناسی، نشر بهینه فراگیر، تهران، چاپ اول.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۱)، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، جلد ۳، مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم، چاپ اول.
۶۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۳)، استفتائات جدید، جلد ۳، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قم، چاپ اول.
۶۱. معاونت آموزش قوه قضائیه، (۱۳۸۸)، مجموعه نظریات مشورتی فقهی امور کیفری، جلد ۳ و ۶، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول.
۶۲. منتظری، حسینعلی، (۱۴۲۹)، مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر، ارغوان دانش، قم، چاپ اول.
۶۳. منتظری، حسینعلی، (بی‌تا)، کتاب الحدود، انتشارات دارالفکر، قم، چاپ اول.
۶۴. مؤمنی، عابدین و رستمی نجف‌آبادی، حامد، (۱۳۹۵)، مصلحت و مجازات‌های حدی، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول.
۶۵. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۹۳)، جرایم علیه اشخاص، بنیاد حقوقی میزان، تهران، چاپ پانزدهم.
۶۶. نجف‌آبادی، سعید هادی و آیتی، سید محمدرضا، (۱۳۹۵)، تبدیل و جایگزینی مجازات‌های اسلامی (حدود و تعزیرات) متناسب با مقتضیات زمان، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۶.
۶۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین، (۱۳۸۳)، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول.
۶۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید، (۱۳۹۰)، دانشنامه جرم‌شناسی، گنج دانش، تهران، چاپ دوم.
۶۹. نجفی، شیخ محمد حسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۴۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
۷۰. نجفی، مرتضی و محسنی، فرید، (۱۳۸۸)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، فردا، انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران، چاپ هفتم.

۷۱. نوبهار، رحیم، (۱۳۸۹)، اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی چشم‌اندازی اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، چاپ اول.
۷۲. نوبهار، رحیم، (۱۳۸۴)، بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیر از دین، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲.
۷۳. نیازپور، امیرحسین، (۱۳۹۲)، توافقی‌شدن آئین دادرسی کیفری، بنیاد حقوقی میزان، تهران، چاپ دوم.